

افراد و مکان های گمشده: پژوهش در زاغه نشین ها و سکونتگاه های سُست

در جنوب آسیا^۱

نویسندگان: ام دی. سالادین^۲ و آوایس پیراچ^۳

منبع: نشریه پیمایش آسیای جنوبی^۴

نشانی اینترنتی مقاله :

<https://doi.org/10.1177/097152312412644402>

ترجمه و تلخیص: حمیدرضا زرنگار

شهرنشینی و رشد زاغه ها

روند شهرنشینی و رشد آن در سراسر جهان شکل های گوناگونی به خود گرفته است. شهرهای سراسر جهان سطوح فزاینده ای از شهرنشینی را تجربه کرده اند و کمبود مسکن و سایر مسائل اجتماعی - اقتصادی منجر به توسعه زاغه نشینی در مقیاسی عظیم شده است.

متوسط نرخ شهرنشینی جهان تا سال ۲۰۳۰، در حدود ۶۰ درصد پیش بینی شده است و حدود ۹۰ درصد از رشد شهرنشینی آینده در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین رخ خواهد داد (سازمان ملل، ۲۰۱۹).

درصد جمعیت زاغه نشین در جنوب آسیا ۳۰ درصد است و این میزان بیش تر از آسیای شرقی و اقیانوس آرام (۲۶ درصد)، آفریقا (۲۲ درصد) و آمریکای لاتین و کارائیب (۲۰ درصد) است (بانک جهانی، ۲۰۱۴).

شهری شدن فقر در کشورهای جنوب آسیا از جمله پاکستان، هند و بنگلادش بسیار آشکار شده است. اگرچه هند و بنگلادش نرخ شهرنشینی مشابهی دارند، درصد جمعیت ساکن در محله های زاغه نشین در هند ۲۴ درصد است؛ در حالی که در بنگلادش ۵۵ درصد است. بنگلادش در آسیای جنوبی، دارای دومین درصد جمعیت زاغه نشین (۵۵ درصد) است که تنها بوتان از آن پیشی می گیرد، بوتان کشوری است که ۷۰ درصد از کل جمعیت زیر یک میلیونی آن در زاغه ها زندگی می کنند. اصطلاح "زاغه نشین" به طور معمول برای اشاره به سکونتگاه های

^۱ Missing People and Places: Slum and Poor Settlements Research in South Asia

^۲ Md Salauddin

^۳ Awais Pirach

^۴ South Asian Survey

غیر رسمی موجود در مناطق شهری که از مسکن ناکافی، ازدحام بیش از حد و کمبود خدمات ضروری رنج می برند، استفاده می شود (UN-Habitat. ۲۰۰۷.P۱).

برنامه اسکان بشر ملل متحد محله زاغه نشین را به عنوان "منطقه شهری پرجمعیت که با مسکن نامرغوب و فلاکت مشخص می شود" توصیف می کند. گروه کارشناسی سازمان ملل زاغه ها را به عنوان مناطق مسکونی با دسترسی ناکافی به آب سالم، دسترسی ناکافی به سرویس بهداشتی و سایر زیرساخت ها، کیفیت ساختاری ضعیف مسکن، ازدحام بیش از حد و وضعیت مسکونی ناامن توصیف کرده است (UN-Habitat. ۲۰۰۳).

برای اجتناب از اطلاق مفهوم تحقیرآمیز مرتبط با زاغه ها، محققان اغلب از اصطلاح اسکان غیر رسمی استفاده می کنند. این اصطلاح همچنین شامل سازه ها یا سکونتگاه های غیرقانونی در شهر می شود (جونز، ۲۰۱۷). سکونتگاه غیر رسمی همچنین ویژگی های محله فقیر نشین (نا امنی مالکیت، کمبود خدمات و غیره) را نشان می دهد.

در مورد سکونتگاه های غیر رسمی مقوله قانونی بودن تصرف در نظر گرفته می شود و این که ساکنان آن نسبت به زمین در وضعیت تصرف نا ایمن قرار دارند و مسکن به عنوان سکونتگاه غیر رسمی محسوب می شود. هر شکلی از املاک و مستغلات در این چارچوب خواه برای افراد مرفه یا فقیر یا افراد با هر سطح درآمدی باشد، می تواند به عنوان سکونتگاه غیر رسمی در نظر گرفته شود (UN-Habitat. ۲۰۱۶).

مداخلات توسعه در زاغه نشین ها

با ادامه رشد شهرنشینی، موضوع مسکن و به رسمیت شناختن زاغه ها در جنوب جهانی آغاز شد. در سال ۱۹۷۶، کنفرانس ونکوور شرایط زندگی غیرقابل قبول ناشی از رشد اقتصادی ناعادلانه و شهرنشینی کنترل نشده را پیش بینی کرد (سازمان ملل متحد، ۱۹۷۶). با این حال، مسائل مربوط به محله های فقیرنشین از دهه ۱۹۹۰ مورد توجه فزاینده ای قرار گرفته است (پاندا، ۲۰۲۰؛ هامفری و شهادت، ۲۰۱۸).

اگرچه بهبود محله های زاغه نشین از طریق طرح های مکانی و خدماتی در دهه ۱۹۶۰ آغاز شد، اما افق مداخلات از طریق اعلام اهداف توسعه هزاره گسترده شده است (پاندا، ۲۰۲۰).

از زمان آغاز توسعه هزاره، مقدار قابل توجهی از مداخلات سیاسی در مورد مسائل زاغه نشینی صورت گرفت، از جمله ارائه مسکن مقرون به صرفه، ارتقای محله‌های زاغه نشین، ارائه خدمات اولیه، سلامت کودکان و زنان و جامعیت نهادی^۵.

(Khan & Swapan، ۲۰۱۳؛ Patel et al، ۲۰۰۹؛ Roy، ۲۰۰۵، ۲۰۱۱؛ Swapan، ۲۰۱۶).

ابتکارات برای بهبود شرایط زاغه‌ها از سوی بالاترین سطوح سیاسی، از دولت‌های ملی گرفته تا آژانس‌های کمک‌کننده بین‌المللی، مانند سازمان ملل متحد و سازمان بهداشت جهانی (WHO) تأیید شده است. برای پیشبرد موفقیت‌های اهداف توسعه هزاره، سازمان ملل متحد برنامه اهداف توسعه پایدار (SDGs) را در سال ۲۰۱۶ به تصویب رساند که مقصود از آن پیشبرد دستیابی به اهداف توسعه هزاره و تضمین آینده بهتر و پایدارتر تا سال ۲۰۳۰ است.

هدف شماره ۱۱ برنامه اهداف توسعه پایدار با ارائه مسکن مقرون به صرفه، خدمات اساسی و ارتقای زاغه‌ها، شهرها را «فراگیر، ایمن، انعطاف‌پذیر و پایدار» می‌سازد.

مانند اهداف توسعه هزاره، اهداف توسعه پایدار نیز دارای مقصود خاصی مرتبط با محله‌های زاغه نشین است که می‌تواند به آن‌ها کمک کند تا همچنان در کانون توجه دانشگاهیان و سیاستگذاران بمانند.

افزایش توجه آکادمیک نسبت به زاغه‌ها

گیلبرت (۲۰۰۷) استدلال می‌کند که انبوهی از مداخلات ملی و بین‌المللی از دهه ۱۹۹۰، از جمله اهداف توسعه هزاره، حجم بیش تری از آثار علمی را در مورد زاغه‌ها برانگیخته است.

پژوهش‌های دانشگاهی در مورد محله‌های زاغه نشین بر فقر و نابرابری و به طور عمده مداخله در یک قلمروی جغرافیایی خاص و نگرانی‌ها در مورد موضوعاتی مانند مقرون به صرفه بودن مسکن و امنیت زمین داری متمرکز است.

آن گونه که سازمان ملل (۲۰۰۲) عنوان می‌کند یک محله زاغه نشین دارای نا امنی حاد در اداره است، با دو موضوع مشترک دیگر: فضای ناکافی و فقدان خدمات اولیه.

۵ جامعیت نهادی معادل Institutional Inclusion به معنای اعطای حقوق و شایستگی‌های برابر و فرصت‌های برابر است که آرا و همچنین دسترسی برابر را به منابع و خدمات فراهم می‌کند که معمولاً مبتنی بر اصول جهانی شدن، عدم تبعیض و کنش هدفمند است.

برای سهولت در ارائه خدمات، تعداد قابل توجهی از کارهای تحقیقاتی دانشگاهی برای تعیین مناطق زاغه نشین در یک شهر انجام شد (دیوان و یاماگوچی، ۲۰۰۹؛ کوهلی و همکاران، ۲۰۱۳).

از فناوری های سنتی، سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) و سنجش از دور برای ترسیم محله های زاغه نشین در راستای ارائه خدمات کارآمد استفاده می شود. عملکرد حکمرانی غیر رسمی و ارائه دهندگان غیر رسمی خدمات در مقابل، مالکان و رهبران محلی قلمروی محله های زاغه نشین را مشخص می کند (رعنا، ۲۰۱۶). این همه برای سازماندهی، اداره و برنامه ریزی فضاهای اجتماعی و همچنین زندگی اجتماعی اتفاق می افتد (Passi, ۲۰۲۲). بنابراین، نویسندگان آن مقاله، زاغه نشین را در یک جغرافیای محدود تعریف می کنند.

مکان های گمشده: رشد قارچ گونه سکونتگاه های فقیر نشین غیر زاغه نشین

در جنوب جهانی تمرکز بیش تری بر موضوع امنیت مالکیت و بهبود در سایر جنبه ها در زاغه نشین های معروف تر و شناخته شده تر گذارده شده است، در همان حال گیلبرت (۲۰۰۷) تأیید می کند که این محدوده بندی جغرافیایی در مورد طرح ها وافی به مقصود نیست. به نظر وی بسیاری از سکونتگاه های کم درآمد در جهان چندان با یکدیگر همگن نیستند.

در حالی که برخی از سکونتگاه ها فاقد هر نوع خدمات و زیرساخت اند، به بسیاری دیگر تا حدی خدمات رسانی می شود. سکونتگاه های بدون آب ممکن است به عنوان محله های زاغه نشین طبقه بندی شوند؛ اما در مورد آن سکونتگاه هایی که دارای امکانات خدماتی اند و برخی یا حتی بسیاری از ساکنان آن توانایی پرداخت هزینه استفاده از این امکانات و خدمات را ندارند، چه؟

چترجی^۶ (۲۰۱۹) در بمبئی مشاهده کرد که سکونتگاه های کم درآمد در خارج یا در مجاورت محله های زاغه نشین در حال رشد هستند. حضور سازمان های غیر دولتی در آن مناطق بسیار بعید است؛ اما گروه های خودیاری رشد می کنند. مرکز مطالعات شهری^۷ (۲۰۱۱) گزارش می دهد که در خولنا^۸، سومین شهر بزرگ بنگلادش، حدود دو سوم خانواده های فقیر اکنون در مناطق غیر زاغه نشین زندگی می کنند. علاوه بر این، خان و سواپان (۲۰۱۳) و سواپان (۲۰۱۶) استدلال می کنند که علیرغم مداخلات، موجود بودن و دسترسی به خدمات عمومی در شهرهای بنگلادش در حال گسترش است و انواع خاصی از روابط در مناطق زاغه نشین برای اطمینان از خدماتی مانند آب و برق وجود دارد. با افزایش جمعیت فقیر در مناطق غیر زاغه نشین، این مشکل رو به رشد هنوز در

^۶ Chatterjee

^۷ The Centre for Urban Studies (CUS)

^۸ Khulna

ادبیات موضوع چندان مورد توجه قرار نگرفته است. با افزایش جمعیت در شهرها، نا امنی مالکیت را می توان در سایر نقاط نیز مشاهده کرد.

بر اساس نظر د سوتو^۹ (۲۰۰۰)، در حقوق مالکیت مبتنی بر وضعیت حقوقی^{۱۰} حس واقعی امنیت مالکیت در نظر گرفته می شود. سیاست های مالکیت زمین در مناطق شهری اغلب پیچیده هستند و صرفاً در دسته های رسمی و غیر رسمی، یا قانونی و غیرقانونی، به ویژه در بطن کشورهای در حال توسعه، قرار نمی گیرند

(Payne & Majale, ۲۰۰۴; Varley, ۲۰۱۳).

در عوض، امنیت مالکیت در وضعیت واقعی مکان، تعیین کننده امنیت غیر رسمی^{۱۱} است (لوسیانو و ون گلدر، ۲۰۱۵). آن گونه که لوسیانو^{۱۲} و ون گلدر^{۱۳} (۲۰۱۵) بیان کردند، امنیت غیر رسمی به مساحت سکونتگاه ها، مدت اقامت، ساختارهای جامعه، پذیرش سیاسی و کمک طرف های ثالث بستگی دارد. محله های زاغه نشین در شهرهای جنوب آسیا با ثبات تر، بزرگ تر و از نظر سیاسی نسبت به حقوق خود آگاه می شوند. مداخله آژانس های اهداکننده نیز پذیرش سیاسی را افزایش و مخاطرات اخراج را کاهش می دهد. اقامتگاه ها از امنیت مالکیت غیر رسمی برخوردارند، زیرا نسل ها مدت هاست که در آن ها زندگی می کنند.

انتقال رسمی و غیر رسمی حقوق (زمین، خانه و سایر اموال) نیز رایج است (رعنا، ۲۰۱۶). با کمک آژانس های کمک کننده و سازمان های غیر دولتی اخراج افراد از آن مکان ها در مقیاس بزرگ کاهش یافته است (پندی، ۲۰۲۰).

از دهه ۱۹۸۰، دولت های محلی و مرکزی به طور فزاینده ای مفهوم ارتقای محله های زاغه نشین را در محل اعمال کردند و بر این تصور استوار است از نظر اجتماعی و اقتصادی موثرتر آن است که به ساکنان اجازه دهیم در جوامع خود باقی بمانند (جایتمن، ۲۰۱۵). با این حال، تمرکز بر امنیت زمین داری کمک چندانی نکرده است؛ زیرا شهرها در حال تجربه پراکندگی اجتماعی و نابرابری هستند.

از نقطه نظر مسکن (زاغه نشینی/سکونتگاه های غیررسمی)، خدمات شهری (دسترسی محدود به آب و فاضلاب) یا مصرف منابع (هزینه های خانوار برای اقلام لوکس) اغلب حالتی از پراکندگی اجتماعی مشاهده می شود.

^۹ De Soto

^{۱۰} De jure

^{۱۱} De Facto Security

^{۱۲} Luciano

^{۱۳} Van Gelder

مسائل مربوط به نابرابری دسترسی به خدمات نیز فراتر از یک محدوده جغرافیایی خاص - زاغه‌ها یا سکونتگاه‌های غیر رسمی - است. شهرها را نمی‌توان با دو گانه رسمی یا غیر رسمی شناسایی کرد؛ زیرا مرز بین رسمی و غیر رسمی با افزایش شمار سکونتگاه‌ها در حال از بین رفتن است. سکونتگاه‌های رسمی نیز در حال تبدیل شدن به غیر رسمی هستند. سکونتگاه‌های رسمی نیز سکونتگاه‌های کنترل نشده و گاه غیرقانونی را تجربه می‌کنند (Dovey et al, ۲۰۲۰). با وجود چندین دهه مداخله، به سختی می‌توان گفت که زاغه‌نشینی بخشی از فرآیند تصمیم‌گیری گسترده‌تر شهری است.

سیستم حکمرانی دوگانه و تخصیص منابع همچنان نابرابر است (عدنان و همکاران، ۲۰۱۸؛ رعنا، ۲۰۱۶؛ سواپان، ۲۰۱۶). منابع اصلی از منابعی که قرار است به فقرا شهری تخصیص داده شود مجزا است.

تامین مالی توسعه از سوی آژانس‌های بین‌المللی کمک‌کننده در درجه اول بر یک فضای خاص، به ویژه زاغه‌ها متمرکز است. این پروژه‌های توسعه بر تخصیص منابع اصلی از سوی دولت تأثیری ندارد (دانکوه و همکاران، ۲۰۱۸؛ رحمان ولی، ۲۰۲۰؛ برنامه توسعه ملل متحد، ۲۰۱۶). در نتیجه در جایی که تخصیص منابع توسط ساختارهای اجتماعی و سیاسی مسلط کنترل می‌شود و با افراد محروم به اشتراک گذاشته نمی‌شود، روند توسعه (رسمی) از منابع هزینه‌ای اصلی به اصلاحات ساختاری نمی‌پردازد، (بانکس، ۲۰۰۸؛ پرت، ۲۰۰۳؛ سواپان، ۲۰۱۶).

نویسندگان استدلال می‌کنند که تنها، رویکرد نزدیک‌بینانه ملاحظه فقرا شهری در یک محدوده جغرافیایی (زاغه‌ها) نمی‌تواند به شکل کامل ارائه خدمات به فقرا شهری را بهبود بخشد. همچنین به ساکنان زاغه کمکی نمی‌کند تا ظرفیت سازمانی خود را وارد فرآیند تصمیم‌گیری در سطح شهر کنند. فقرا شهری در سکونتگاه‌های فقیرنشین غیر زاغه‌نشین نیز در حال فزونی اند و شهرها به رویکردی جامع برای رسیدگی به فقر شهری و ارائه خدمات نیاز دارند. در زمینه افزایش تعداد جمعیت و پیش‌بینی رشد مثبت جمعیت در جنوب آسیا، نویسندگان مقاله این موضوع را که چگونه پژوهش دانشگاهی به مسائل زاغه‌ها و سکونتگاه‌های فقیر غیر زاغه‌نشین در حال رشد می‌پردازد، بررسی می‌کنند. نویسندگان از تجزیه و تحلیل ادبیات موضوع برای شناسایی ابتکارات پژوهشی در مورد زاغه‌ها/سکونتگاه‌های غیر رسمی استفاده کرده و بررسی می‌کنند که چگونه پژوهش آکادمیک به مفاهیم مناطق غیر زاغه‌نشینی می‌پردازد که نویسندگان آن را «سکونتگاه‌های سست» می‌نامند.

این مقاله به دنبال روشن کردن تمرکز اشتباه روی زاغه‌ها و شناسایی محدوده‌های خاکستری مشارکت دانشگاه برای مطالعه نابرابری و دسترسی فقرا شهری به خدمات است.

فرضیه اصلی این مطالعه آن است که آژانس‌های ملی و بین‌المللی بر بهبود وضعیت مردم ساکن در سکونتگاه‌های سست تمرکز ضعیفی دارند و همزمان در موضوع پژوهش کار چندانی نشده است.

روش شناسی مطالعه

این مقاله محتویات مقالات علمی، فصول کتاب و مجموعه مقالات کنفرانسی منتشر شده از اوایل دهه ۱۹۰۰ تا ۲۰۱۹ را تجزیه و تحلیل می کند. مطالب برای این تجزیه و تحلیل کتاب سنجی از پایگاه داده های موسوم به *Web of Science (WoS)* استخراج شد و جستجوی کلیدواژه را به محله زاغه نشین، سکونتگاه های سست، متصرف عدوانی و سکونتگاه غیر رسمی محدود کرد. جستجوی اولیه ۱۶۲۸۱ داده را به دست آورد که با حذف دسته های WoS نامرتب مانند علوم ورزشی، ایمونولوژی و روانشناسی اصلاح شدند. عناوین منابع نامرتب از جمله از ۱۸ مجله و ۷۶ گروه که به محدوده مطالعه مربوط نمی شوند، نیز حذف شده اند. از مجموع ۳۶۸۹ مقاله، فصلنامه یا مجموعه مقالات باقیمانده در قالب کتاب، ۴۰۰ مورد اول با بیش ترین تعداد استناد برای بررسی انتخاب شدند تا مجموعه را بتوان مدیریت نمود. تجزیه و تحلیل کتاب سنجی با استفاده از نرم افزار VOSviewer ۱,۶,۱۳ انجام می شود که دارای عملکرد متن کاوی و ساخت و تجسم وقوع همزمان شبکه های اصطلاحات اساسی از مجموعه ای از ادبیات علمی است (ون /یک و والتمن، ۲۰۰۹، ۲۰۱۱).

نگاشت کتاب سنجی این مطالعه بر مبنای استنادها و استادهای مشترک، همزمانی استنادها صورت می گیرد تا گستره ادبیات موضوع در مورد زاغه ها، سکونتگاه های غیر رسمی و سکونتگاه های سست را از مطالب برگزیده در پنج مقوله بندی بر اساس شدت ارتباط مطالب ترسیم کند. هر محدوده طبقه بندی دست کم دارای ۵۰ مقاله در موضوع پژوهش است.

مرحله دوم تجزیه و تحلیل، ۷۵۰ مقاله مرتبط از WoS را شناسایی کرد که بین سال های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۹ منتشر شدند. در مجموع ۴۸۳ مقاله با حداقل یک استناد برای تجزیه و تحلیل همزمانی با استفاده از کلمات کلیدی گردآوری شدند. برای تشکیل یک خوشه مجزا، پارامتر تنظیمی مشتمل بر حداقل دو مقاله با کلمات کلیدی مشابه بود.

علاوه بر تجزیه و تحلیل کتاب سنجی با استفاده از مقالات WoS، این مطالعه طیف گسترده ای از مقالات، گزارش ها و سایر اسناد را در مورد زاغه ها و سکونتگاه های سست بررسی کرد تا مداخلات نظری و عملی مورد نظر و انجام شده برای شناسایی پژوهش های دانشگاهی به ویژه در مورد سکونتگاه های سست را بررسی کند.

سکونتگاه های زاغه نشین/غیر رسمی در برابر سکونتگاه های سست

در طول تاریخ، اصطلاحات مختلفی برای توصیف شرایط زندگی پر ازدحام محله های فقیر نشین، مانند خانه های مخروبه درون شهر، سکونت گاه های تصرفی و حلبی آبادها به کار رفته است (خلیفه، ۲۰۱۱).

استفاده از اصطلاح "زاغه نشین" را می توان به انقلاب صنعتی در انگلستان در اواسط دهه ۱۷۰۰ ردیابی کرد، زمانی که میلیون ها نفر به دنبال کار به شهرها سرازیر شدند و هر جا که می توانستند خانه خود را سرهم می کردند. در سال ۱۸۱۲ این اصطلاح برای نشان دادن یک تجارت غیرقانونی یا متقلبانه ابداع شد (گیلبرت، ۲۰۰۷) و به تدریج برای توصیف همه اشکال پیامدهای اجتماعی نامطلوب مانند مسکن نامناسب و کیفیت زندگی غیر استاندارد به کار رفت (Flood, ۲۰۰۲; Prunty, ۱۹۹۸).

این مناطق محروم که خانواده های کم درآمد مجبور به زندگی در مسکن های غیربهداشتی و بسیار متراکم و بی کیفیت با کمبود خدمات ابتدایی هستند، عموماً یا در داخل شهر یا در حومه آن یافت می شوند. در رابطه با کشورهای در حال توسعه، سازمان ملل متحد (۲۰۰۲) گزارش داد که به طور معمول علاوه بر نا امنی زمین داری و فضای ناکافی، زاغه ها از خدمات اولیه مانند آب، برق و سرویس بهداشتی نیز برخوردار نیستند. چنین خدماتی توسط سازمان های دولتی ارائه نمی شود، تا حدی به دلیل وضعیت غیر رسمی ساکنان (دوراند-لاسرو، ۲۰۰۶؛ سواپان، ۲۰۱۶). در عوض، انواع خاصی از روابط بین مستاجران و مالکان ایجاد شده است که در آن مالکان ارائه دهنده خدمات می شوند (رعنا، ۲۰۱۶؛ سواپان، ۲۰۱۶).

اصطلاح "سکونتگاه غیر رسمی" برای محله زاغه نشین در مقابل جنبه منفی زاغه نشینی جایگزین شد. فیلیسون (۱۹۷۸) استدلال می کند که سکونتگاه های غیر رسمی نتیجه ناتوانی برنامه های توسعه شهری برای مقابله با رشد سریع شهرنشینی است.

برنامه اسکان ملل متحد سکونتگاه غیر رسمی را محل نا امنی زمین داری، فقدان خدمات و فقدان مقررات ساختمانی تعریف کرده است. با این حال جایگزینی محله زاغه نشین به ظاهر کم تر تحقیرآمیز است، اما "غیر رسمی" همچنان به معنای غیر استاندارد، غیرقانونی یا عدم انطباق با قوانین ساختمانی و مقررات برنامه ریزی است.

تعریف فیزیکی یک سکونتگاه زاغه نشین/غیر رسمی بسیار پیچیده است و با این واقعیت هم که نگرانی های فزاینده در مورد توسعه سکونتگاه های غیر زاغه نشین پیچیده تر می شود (گیلبرت، ۲۰۰۷).

زاغه به عنوان یکی از اشکال سکونتگاه غیر رسمی در نظر گرفته می شود (چترجی، ۲۰۱۹)، و می توان آن را به هر بخشی از شهر که در آن گمانه زنی املاک و مستغلات برای تمام سطوح درآمد وجود دارد، گسترش داد (UN-Habitat, ۲۰۱۵).

در مورد سکونتگاه غیر رسمی دیدگاه وسیع تری از رشد طبیعی در بخش هایی از شهر وجود دارد که مقررات ساختمانی در آن ها رعایت نشده است. رشد سکونتگاه غیر رسمی به فرآیندی گفته می شود که در آن سکونتگاه در طول زمان افزایش می یابد.

چترجی (۲۰۱۹) در بمبئی بررسی کرده است که تعداد فرایندهای از سکونتگاهها در مجاورت مناطق زاغه نشین وجود دارند که ویژگی های محله های زاغه نشین مانند نا امنی زمین داری را ندارند. مردم آن مناطق در بمبئی به خرید زمین و خانه یا پرداخت منظم اجاره بها مبادرت می کنند. سکونتگاه های چسبیده به محله زاغه نشین در بنگلادش نیز در طول نسل ها از حق مالکیت برخوردار بوده اند. فرصت های شغلی بهتر، در میان عوامل دیگر، به افزایش روزافزون افراد در حال تقلای سکونت، چه از مناطق روستایی و چه از مناطق شهری کمک می کند که در سکونتگاه های زاغه نشین یا غیر زاغه نشین ضعیف خانه سازی کنند. این باعث می شود که تفاوت بین سکونتگاه های رسمی و غیر رسمی اغلب مبهم باشد (دورانند-لاسر، ۲۰۰۶).

استفاده از اصطلاح "اسکان غیر رسمی" نیز گیج کننده است زیرا برخی از محققان مانند مونتانا و همکاران (۲۰۱۶)، فاروگ و لاوسون (۲۰۱۴) و مارتینز و همکاران (۲۰۰۸) از اصطلاح "غیر زاغه نشین" برای سکونتگاه های رسمی استفاده کرده اند؛ در حالی که برخی دیگر اصطلاح اسکان غیر رسمی را برای سکونتگاه های رسمی و غیر رسمی به غیر از محله های زاغه نشین رسمی یا غیر رسمی به کار برده اند (عدنان و همکاران، ۲۰۱۸؛ احمد و همکاران ۲۰۱۳).

نویسندگان این مقاله برای تمایز از زاغه ها و اجتناب از سردرگمی خلط مبحث با سکونتگاه غیر رسمی، مناطق غیر زاغه نشین ضعیف را در نظر می گیرند.

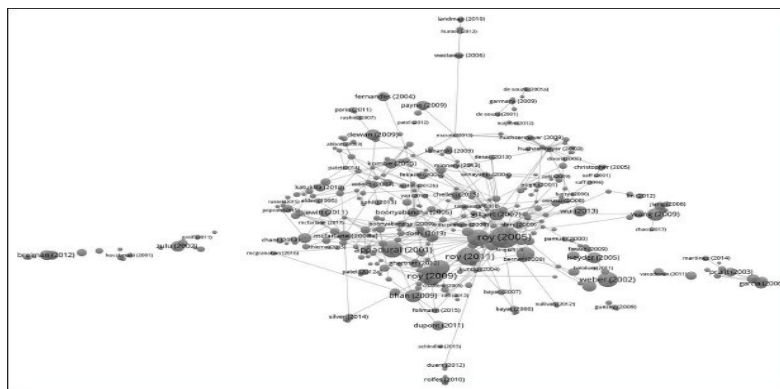
در حالی که تعریف خاصی از سکونتگاه ضعیف و سست وجود ندارد، فورتونی و همکاران (۲۰۱۱) دو ویژگی دیگر به تعریف زاغه نشین ارائه شده توسط سازمان ملل (یعنی همان ویژگی های نا امنی زمین داری و فقدان خدمات اولیه) اضافه کرده اند: این دو ویژگی عبارتند از: مصالح اسکان موقت و حساسیت نسبت به سیل. نویسندگان مقاله حاضر سکونتگاه های سست را به عنوان ساخت و سازهای پراکنده در بخش های پیرامونی محله های زاغه نشین یا سکونتگاه های تصرفی و سکونتگاه های پراکنده در مناطق شهری در نظر می گیرند. استدلال نویسندگان آن است که این سکونتگاه ها ممکن است یکی (یا هر دو) ویژگی رسمی و غیر رسمی را داشته باشند.

چهره ها و مکان ها در مطالعات زاغه نشینی

پژوهش بسیاری در مورد هر جنبه از زندگی زاغه نشینی، چه در کشورهای توسعه یافته و چه در کشورهای در حال توسعه، انجام شده است. اگرچه جستجوی ادبیات با استفاده از ترکیبی از کلمات کلیدی مانند زاغه‌ها، سکونتگاه‌های غیر رسمی و سکونتگاه‌های سست انجام شد، اما تقریباً تمام کارهای تأثیرگذار بر روی زاغه‌ها متمرکز بود. این مطالعه حوزه‌های گسترده مشارکت‌های علمی در محله‌های فقیر نشین را در پنج خوشه زیر در بر گرفته است: زاغه/ساخت و ساز غیر رسمی؛ غیر رسمی، مسکن و کیفیت زندگی؛ خدمات اجتماعی و نقشه برداری؛ شهروندی و حکومت؛ و سلامت.

این پنج خوشه بر اساس قدرت پیوند استنادی و استناد به آن‌ها پدید آمدند. برای تشکیل یک خوشه، حداقل ۵۰ مقاله مرتبط باید در زمینه مورد علاقه (بر اساس استناد و قدرت استناد مشترک) با یکدیگر مرتبط باشند. در هر آستانه طبقه بندی حداقل ۵۰ مقاله مرتبط در یک موضوع یا زمینه تحقیق تعیین شده است. نام خوشه‌ها به واسطه کلمات کلیدی متداول مقالات خوشه ای انتخاب شده اند.

شکل شماره ۱: پنج خوشه از آثار علمی بر اساس استنادها (سال‌های ۱۹۰۰ تا ۲۰۱۹)



اولین خوشه، زاغه‌ها را در کشورهای در حال توسعه تعریف و بازتعریف می‌کند و پاسخ‌های سیاست‌گذاری به مورد غیر رسمی را در مواردی مانند موارد زیر بررسی می‌کند:

ارتقای محله‌های زاغه نشین و مالکیت زمین (روی^{۱۴}، ۲۰۰۵)؛ رویکردهای جامعه محور در ارتقای محله‌های زاغه نشین (بور، ۲۰۰۵)؛ ارتقای محله زاغه نشین تحت محیط سازمانی در حال تغییر در دوران نئولیبرال (نجمان، ۲۰۰۸)؛ تأثیر احکام قضایی بر پاکسازی محله‌های زاغه نشین دهلی (بیهان، ۲۰۰۹)؛ و تکامل مذاکرات در

مورد برنامه های توسعه مجدد دیهاراوی^{۱۵} در بمبئی (پتل و همکاران، ۲۰۰۹). مسائل مربوط به حکمرانی، قدرت اجتماعی و عدالت در مطالعات بعدی ظاهر می شود (مک فارلین^{۱۶}، ۲۰۰۹، ۲۰۱۱؛ روی، ۲۰۱۱).

مک فارلنس^{۱۷} (۲۰۰۹) در بمبئی مطالعه کرد تا گسترش جنبش های اجتماعی را از طریق «تجمع فرا محلی» توصیف کند و بر اشتراک ایده ها، دانش و شیوه ها در مکان های یک شهر تأکید کند. همان گونه که مک فارلین (۲۰۰۹) اشاره می کند جنبش های اجتماعی شهری در بمبئی توسط فعالان طبقه متوسط تحصیل کرده با قدرت نسبی و ارتباط با دولت بسیج می شوند، جایی که فقرای شهری از اشتراک ایده ها و شیوه ها سود می برند.

بنابراین مک فارلنس (۲۰۰۹) بر روی مجموعه، به جای شبکه تأکید کرد، زیرا مجموعه های فرامحلی می توانند امر بیرونی را در فرآیند تولید مواضع سیاسی و معرفتی تطبیق دهند.

دوپونت^{۱۸} در پی آرزوی دهلی برای تبدیل شدن به یک شهر جهانی (۲۰۱۱)، گرتتر^{۱۹} (۲۰۱۱) و رائو^{۲۰} (۲۰۱۱) پیامدهای منفی پاکسازی زاغه ها و معیشت فقرای شهری را بررسی می کنند. روی (۲۰۱۱) استدلال می کند که غیر رسمی بودن در شهرهای ثروتمند نیز وجود دارد، زیرا سایه سارهای دهقان سراهای دهلی به اندازه زاغه ها غیر قانونی اند. آن ها از طریق قدرت طبقاتی و تأیید دولت رسمی دانسته می شوند. بنابراین، مفهوم منفی غیر رسمی یا زاغه ها را می توان برای جوامع ثروتمند نیز به کار برد و پراکندگی یا غیر رسمی بودن نمی تواند عامل قضاوتی برای دریافت خدمات از دولت باشد.

خوشه دوم، همان طور که توسط نویسندگان این مطالعه طبقه بندی شده است، مربوط به غیر رسمی بودن، مسکن و کیفیت زندگی است و شامل مطالعاتی در مورد بهبود مسکن و شرایط زندگی توسط نویسندگانی مانند هاچرمایر^{۲۱} (۲۰۰۳) و تأثیر یارانه برای مسکن و ارتقای زاغه نشینی است (میسسترو و هنشر، ۲۰۰۹). بیش تر نوشته های مربوط به این خوشه تحت تأثیر استدلال خوش بینانه د سوتو (۲۰۰۰) در مورد زاغه ها یا سکونتگاه های غیر رسمی است که رشد غیر رسمی را کارآفرینی قهرمانانه در کشورهای در حال توسعه می داند. یک زیر گروه کوچک به مطالعه رفاه کودکان در محله های زاغه نشین و سکونتگاه های غیر رسمی پرداخته است (برایمن و همکاران، ۲۰۱۲).

۱۵ Dharavi

۱۶ Mc Farlane

۱۷ Mc Farlane

۱۸ Dupont

۱۹ Ghertner

۲۰ Rao

۲۱ Huchzermeyer

خوشه سوم عمدتاً در مورد مسائل مربوط به نا امنی زمین داری است که بیش تر با ارتقای محله‌های زاغه‌نشین (هاچر مایر، ۲۰۰۳، میستر و هنشر، ۲۰۰۹) و اقدامات جامعه برای تأمین امنیت مسکن (دوپونت، ۲۰۱۱، گرتنر ۲۰۱۱) مرتبط است.

خوشه چهارم یک روند پژوهشی متمایز را نشان می‌دهد که در مورد توسعه/باززایی، طرد اجتماعی، حکومت و روابط قدرت است. ادبیاتی که در این دسته قرار می‌گیرد عمدتاً در مورد شهرهای اروپایی (آمستردام، برلین، مادرید، استانبول و غیره) مورد مطالعه قرار گرفته است. کویوکو^{۲۲} و اونسال^{۲۳} (۲۰۱۰) تغییر رویکرد دولت را از پوپولیستی به نئولیبرال در بازارهای زمین و مسکن شهری مستند کردند. آنان خاطر نشان کردند که پروژه‌های بزرگ تحول شهری در ترکیه منجر به جابجایی شده و به بهبود شرایط زندگی کمکی نکرده است. تورکون^{۲۴} (۲۰۱۱) ائتلاف بین دولت و بازیگران قدرتمند در پشت پروژه‌های تحول شهری بزرگ را تشریح می‌کند. او تشخیص داده است که افزایش پتانسیل رانت از طریق این ائتلاف، مراکز شهری تاریخی ترکیه را به جمعیت فقیر شهری در مقیاس بزرگ تبدیل کرده است.

پنجمین و آخرین خوشه مورد مطالعه، ارائه خدمات و نقشه برداری است. این خوشه ادبیات موضوع هم شمال و هم جنوب جهانی را نشان می‌دهد. مقالات پراستناد در این خوشه، تامین آب و بهداشت در مناطق زاغه‌نشین (اکبر و همکاران، ۲۰۰۷؛ مک فارلنس و همکاران، ۲۰۱۱). بهداشت و کودکان (بارتلت، ۲۰۰۳)؛ شکل‌گیری محله زاغه‌نشین (تاوین باک و کراف، ۲۰۱۳) و نقشه برداری به عنوان یک روش مؤثر برای ارائه خدمات (کوهلی و همکاران، ۲۰۱۳؛ پاتل و همکاران، ۲۰۱۴؛ ویکس و همکاران، ۲۰۰۷) را بررسی کرده‌اند.

این پژوهش برای تعیین مناطق زاغه‌نشین به منظور برنامه‌ریزی و ارائه خدمات مؤثر انجام شده است. در این خوشه، محققان زاغه‌ها را در یک فضای جغرافیایی خاص، یا در جنوب جهانی برای مثال در موارد زیر محدود کرده‌اند: توسعه مجدد در ناحیه دیهاراوی در بمبئی (پاتل و همکاران، ۲۰۰۹)، رفاه مادی و کودکان در نایروبی (بارتلت، ۲۰۰۳)؛ ابتکاراتی برای شناسایی محله‌های زاغه‌نشین در بنگلادش و هند (دوان و یاماگوچی، ۲۰۰۹؛ کوهلی و همکاران، ۲۰۱۳) یا در شمال جهانی مانند پروژه‌های نوسازی یا تحول در ترکیه یا بازسازی در برلین.

۲۲ Kuyucu

۲۳ Unsal

۲۴ Turkun

زاغه نشین ها در لباس مبدل سکونتگاه های سُست

از آن جا که تمام ۴۰۰ اثر علمی بالاترین استناد عبارت سکونتگاه های سست را پوشش نمی دهند، نویسندگان برای مسائل مربوط به سکونتگاه های سست مقالات بیش تری را جستجو کردند. همکاری های علمی در مورد موضوع سکونتگاه های سست به واسطه تأثیر علمی قابل توجه زاغه نشین ها و سکونتگاه های غیر رسمی محدود شده است.

اصطلاح سکونتگاه های سست به صورت عمده در ادبیات موضوع به عنوان مترادف زاغه نشین، متصرفی و سکونتگاه های غیر رسمی به کار رفته است. به عنوان مثال، این اصطلاح برای مطالعه پوشش ایمن سازی در محله های زاغه نشین دهلی (Devasenapathy, et.al, ۲۰۱۶) ارتقای مسکن در سکونتگاه های غیر رسمی در اندونزی (روکمانا، ۲۰۱۸)؛ مدیریت شرایط اضطراری زیست محیطی در کاتماندو (گیامبلی و همکاران، ۲۰۱۶) استفاده شده است.

در بنگلادش، «سکونتگاه سست» برای مطالعه تأثیر طرح های بهداشتی توسط سازمان های غیر دولتی در محله های زاغه نشین داکا (بیلیکیس و همکاران، ۱۹۹۴)، وضعیت مراقبت بهداشتی و شبکه اجتماعی در سلامت مادر و نوزاد در داکا و سیلت (آدامز و همکاران، ۲۰۱۵؛ اسلام و همکاران، ۲۰۱۶)؛ نقشه برداری از محله های زاغه نشین و مناطق سکونتگاهی سست (حسین و ناظم، ۲۰۱۲) و امنیت زمین داری و سرمایه گذاری مسکن (Nguyen, ۲۰۱۸) استفاده شده است. بنابراین، نویسندگان این مطالعه به فقدان تحقیق در مورد سکونتگاه های سست فراتر از زاغه، اقامت تصرفی یا سکونتگاه های غیر رسمی اشاره می کنند.

نویسندگان استدلال می کنند که دهه ها مداخله توسعه در مناطق زاغه نشین ممکن است زاغه ها را در موقعیت نسبتاً بهتری نسبت به سکونتگاه های سست پراکنده قرار داده باشد. زاغه نشینان از نظر سیاسی آگاهی بیش تری دارند و به شدت با روند سیاسی مرتبط هستند. این نیز به بهبود وضعیت آن ها کمک می کند.

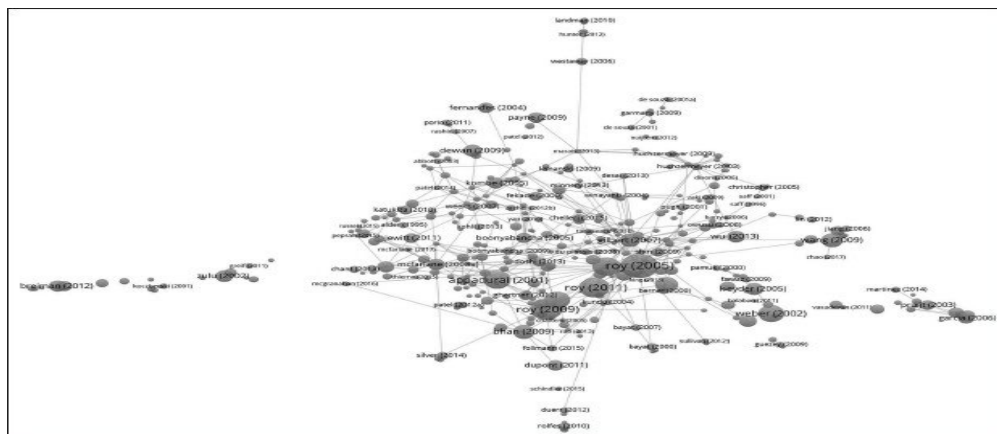
تغییر چهره مطالعات زاغه نشینی: آیا ما بخش بزرگی از شهر را از دست داده ایم؟

بدیهی است علیرغم افزایش شمار جمعیتی که در سکونتگاه های سست غیر زاغه نشین پناه گرفته اند، پژوهش دانشگاهی همچنان بر محله های زاغه نشین متمرکز است. در عین حال، شیوه های دانشگاهی در رسیدگی به نگرانی های فراینده نابرابری درون شهری از نظر دسترسی به خدمات و مشارکت در تصمیم گیری کُند است.

این بخش که قادر به یافتن کار قابل توجهی در مورد سکونتگاه‌های سست نیست، با تجزیه و تحلیل کلمات کلیدی از ۴۰۰ مقاله پر استناد از سال ۱۹۰۰ تا مه ۲۰۱۹، روند پژوهش در مورد زاغه‌ها را بررسی می‌کند.

به علاوه، برای بررسی تحقیقات اخیر در مورد زاغه‌ها، این مطالعه به مقالات منتشر شده از سال ۲۰۱۵ تا مه ۲۰۱۹ می‌پردازد. این مطالعه همچنین روندهای تحقیق را بین دو دوره زمانی ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۹ و ۱۹۰۰ تا ۲۰۱۹ مقایسه کرد. بر اساس تحلیل هم‌روندی، کلماتی مانند سکونتگاه‌های غیر رسمی، زاغه‌نشین و مسکن مهم‌ترین کلیدواژه‌ها در حوزه تحقیق هستند. مسائل شهرنشینی در جنوب جهانی و جوامع شهری فقیر در کشورهایمانند هند، اندونزی و غنا نیز به طور گسترده مورد مطالعه قرار گرفته است. بررسی همچنین نشان می‌دهد که شمار قابل توجهی از مداخلات نیز در مورد مسائل آب و فاضلاب بوده است.

شکل شماره ۲: همزمانی کلید واژه‌ها از سال ۱۹۰۰ تا سال ۲۰۱۹

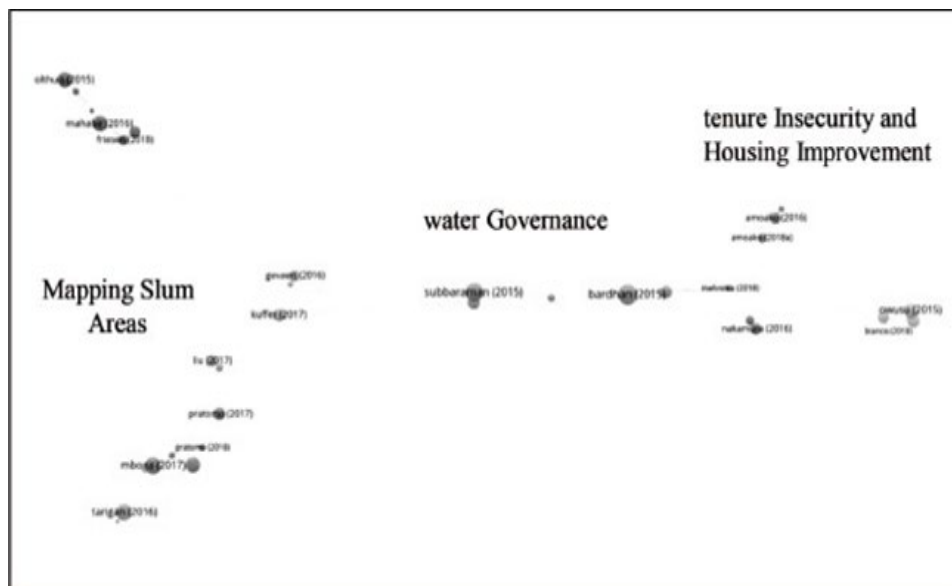


اگرچه واژه‌های سکونتگاه‌های غیر رسمی، زاغه‌ها و مسکن اهمیت خود را در پژوهش‌های اخیر در مورد زاغه‌نشین حفظ کرده‌اند؛ اما برخی از کلید واژه‌های جدید مانند حکمرانی آب، حکمرانی شهری اهمیت بیشتری پیدا می‌کنند (ر. ش به شکل شماره ۳). مطالعه آب در محله‌های زاغه‌نشین در زمان‌های اخیر روند پژوهش‌ها را سریع‌تر کرده است؛ زیرا آب در حال تبدیل شدن به یک منبع مهم نابرابری است. سووینجداو^{۲۵} (۲۰۰۴) استدلال می‌کند که گردش آب در شهرها، مانند سایر کالاها و خدمات، بخشی از اقتصاد سیاسی قدرت است که به بافت شهری ساختار و انسجام می‌بخشد. شکل شماره ۳ همچنین نشان می‌دهد که غیبت

Grant؛ ۲۰۱۷، Amoako & Inkoom؛ ۲۰۱۸، ۲۰۱۷، ۲۰۱۶، Amoak) تمرکز دارند؛ اما خوشه‌های منتهی (۲۰۱۴،

الیه سمت چپ در مورد تکنیک‌های یادگیری ماشینی به منظور شناسایی مناطق زاغه نشین برای ارائه خدمات بهتر هستند.

شکل شماره ۴- ادبیات موضوعی در خصوص نقشه‌برداری بر اساس اسنادها سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۹)



سخن پایانی

این مطالعه ماهیت و میزان مشارکت‌های دانشگاهی در محله‌های زاغه نشین و سکونتگاه‌های سست در محله‌های غیر زاغه نشین را بررسی کرده است. تجزیه و تحلیل کتاب‌سنجی و بررسی ادبیات موضوع نشان می‌دهد که زاغه‌ها در سراسر جهان تقریباً در همه جنبه‌های زندگی زاغه‌نشینی در مرکز توجه مطالعات بوده‌اند. این روند در زمان‌های متاخر نیز با ظهور موضوعات جدیدی در مطالعات زاغه‌نشینی، مانند حکمرانی آب همچنان ادامه دارد. تجزیه و تحلیل به عمل آمده پنج خوشه اصلی ادبیات موضوعی زاغه‌نشینی را شناسایی می‌کند: نظریه شکل‌گیری زاغه و غیر رسمی بودن. توسعه مجدد، مسکن و کیفیت زندگی؛ خدمات اجتماعی و نقشه‌برداری؛ خدمات بهداشتی و شهروندی و حکمرانی.

ادبیات دانشگاهی در مورد زاغه‌ها عمدتاً بر دو پدیده متمرکز شده است: اول: نا امنی تصدی، با اشاره به نیاز به ارتقای محله‌های زاغه‌نشین، امنیت زمین و مشارکت جامعه. دوم: جغرافیای محدود زاغه‌ها که منجر به بحث گسترده‌ای در مورد بهترین نحوه ترسیم مرزهای جغرافیایی برای بهبود ارائه خدمات می‌شود.

همانطور که تجزیه و تحلیل و بحث نشان می‌دهد، افرادی که در سکونتگاه‌های سست زندگی می‌کنند در ادبیات دانشگاهی به صورت بسیار قلیلی به رسمیت شناخته شده‌اند. این سکونتگاه‌ها به دلیل پراکندگی و درجاتی از رسمیت (مدیریت زمین) عمدتاً به دلیل تمرکز بر زاغه‌نشین‌ها یا سکونتگاه‌های غیر رسمی نادیده گرفته شده‌اند. در نتیجه، مطالعات در مورد ارائه خدمات و سازمان‌های اجتماعی در آن‌ها تقریباً وجود ندارد. مطالعات نظری و تجربی کمی تحت عنوان «اسکان ضعیف» یافت شده است. با این حال، آشکار است که ارجاعات به زاغه‌نشین‌ها بوده است و اصطلاحات زاغه‌نشین، سکونتگاه سست، محل سکونت غصبی یا سکونتگاه غیر رسمی به جای یکدیگر در ادبیات کنونی استفاده می‌شوند. نویسندگان نتیجه می‌گیرند که موضوع سکونتگاه‌های سست غیر زاغه‌نشین برجسته نیست و در تحقیقات دانشگاهی نشان داده نمی‌شوند. آنان استدلال می‌کنند که مطالعه نابرابری نباید به یک منطقه خاص از یک شهر محدود شود، زیرا محله‌های زاغه‌نشین تنها بخشی از تعداد فزاینده مردم فقیر را در خود جای می‌دهند.

این مطالعه نابرابری در دسترسی به خدمات را در هسته درک و تجسم شهر قرار می‌دهد. بنابراین پرداختن به نابرابری مستلزم درک چگونگی توزیع خدمات و سیستم ارائه خدمات در عمل در شهر است. جستجوی نابرابری در مکان‌های محدودی مانند زاغه‌ها تنها تصویری چندپاره از شهر به دست می‌دهد؛ در حالی که رشد شهر در دنیای کنونی پویاتر است. این مطالعه طرفدار کشف نابرابری در ارائه خدمات است و این که باید دید وسیع‌تری داشت تا سکونتگاه‌های سست به طور کلی لحاظ شوند. باید به وجود نا امنی تصدی به عنوان یک عامل تعیین‌کننده برای تحقیقات و مداخلات نیز در بازنگری اذعان نمود.

منابع

1. Adams A. M., Nababan H. Y., & Hanifi S. M. (۲۰۱۵). Building social networks for maternal and newborn health in poor urban settlements: A cross-sectional study in Bangladesh. *PLoS One*, ۱۰(۴), e۰۱۲۳۸۱۷. Crossref.
2. Adnan M. N., Safer R., & Rashid A. (۲۰۱۸). Consumption based approach of carbon footprint analysis in urban slum and non-slum areas of Rawalpindi. *Habitat International*, ۷۳, ۱۶–۲۴. Crossref.

3. Ahmad S., Choi M. J., & Ko J. (2013). Quantitative and qualitative demand for slum and non-slum housing in Delhi: Empirical evidences from household data. *Habitat International*, 38, 90–99. Crossref. Web of Science.
4. Akbar H. M. D., Minnery J. R., van Horen B., & Smith P. (2007). Community water supply for the urban poor in developing countries: The case of Dhaka, Bangladesh. *Habitat International*, 31(1), 24–30. <https://doi.org/https://doi.org/10.1016/j.habitatint.2006.03.001> Crossref.
5. Amoako C. (2016). Brutal presence or convenient absence: The role of the state in the politics of flooding in informal Accra, Ghana. *Geoforum*, 77, 9–16. Crossref.
6. Amoako C. (2017). Becoming resilient? incremental learning and flood responses in informal settlements in Accra, Ghana [Paper presentation]. The 11th international conference on infrastructure development in Africa, KNUST, Kumasi, Ghana.
7. Amoako C. (2018). Emerging grassroots resilience and flood responses in informal settlements in Accra, Ghana. *GeoJournal*, 83(5), 949–960. Crossref.
8. Amoako C., & Inkoom D. K. B. (2017). The production of flood vulnerability in Accra, Ghana: Re-thinking flooding and informal urbanisation. *Urban Studies*, 50(13), 2903–2922. Crossref.
9. Banks N. (2008). A tale of two wards: Political participation and the urban poor in Dhaka city. *Environment and Urbanisation*, 20(2), 361–376. Crossref. Web of Science.
10. Bartlett S. (2003). Water, sanitation and urban children: the need to go beyond ‘improved’ provision. *Environment & Urbanisation*, 15(2), 57–70. Crossref. Web of Science.
11. Bhan G. (2009). ‘This is no longer the city I once knew’. Evictions, the urban poor and the right to the city in millennial Delhi. *Environment and Urbanisation*, 21(1), 127–142. Crossref. Web of Science.
12. Bilqis A. H., Zeitlyn S., Ali N., Yahya F. S. M., & Shaheed N. M. (1994). Promoting sanitation in Bangladesh. *World Health Forum*, 15(4), 308–312. PubMed.
13. Breiman R. F., Cosmas L., Njuguna H., Audi A., Olack B., Ochieng J. B., Wamola N., Bigogo G. M., Awiti G., & Tabu C. W. (2012). Population-based incidence of typhoid fever in an urban informal settlement and a rural area in Kenya: Implications for typhoid vaccine use in Africa. *PLoS One*, 7(1), e31119. Crossref. PubMed.
14. Brett E. (2003). Participation and accountability in development management. [https://Lst-liep.liep-Unesco.Org/Cgi-Bin/Wwwi32.Exe/\[In=epidoc1.in\]/?T2000=021774/\(100\),40.https://doi.org/10.1080/00220380412231293747](https://Lst-liep.liep-Unesco.Org/Cgi-Bin/Wwwi32.Exe/[In=epidoc1.in]/?T2000=021774/(100),40.https://doi.org/10.1080/00220380412231293747)
15. Burra S. (2005). Towards a pro-poor framework for slum upgrading in Mumbai, India. *Environment and Urbanization*, 17(1), 67–88. <https://doi.org/10.1177/090672478001700106>
16. Chatterjee I. (2019). Informal settlements: Never just a ‘slum’. *Assemble Papers*. <https://assemblepapers.com.au/2019/09/17/informal-settlements-never-just-a-slum/>
17. CUS–UNDP–KCC. (2011). Mapping urban poor settlements and vacant lands in UPPR project towns. Report submitted to the United Nations Development Programme under the Urban Partnership for Poverty Reduction (UPPR) Project.
18. Danquah J. K., Analoui F., & Koomson Y. E. D. (2018). An evaluation of donor agencies’ policies on participatory development: The case of Ghana. *Development Policy Review*, 36(January 2016), O138–O108. <https://doi.org/10.1111/dpr.12227>
19. De Soto H. (2000). The mystery of capital: Why capitalism triumphs in the West and fails everywhere else. Basic Books.

২০. evasenapathy N., Jerath S. G., Sharma S., Allen E., Shankar A. H., & Zodpey S. (২০১৬). Determinants of childhood immunisation coverage in urban poor settlements of Delhi, India: a cross-sectional study. *BMJ Open*, ১(৮), e০১৩০১০. Crossref. PubMed.
২১. Dewan A. M., & Yamaguchi Y. (২০০৭). Using remote sensing and GIS to detect and monitor land use and land cover change in Dhaka Metropolitan of Bangladesh during ১৭৬০-২০০০. *Environmental Monitoring and Assessment*, ১০০(১), ২৩৭. <https://doi.org/10.1007/s10661-008-0226-0>
২২. Dovey K., Shafique T., van Oostrum M., & Chatterjee I. (২০২০). Viewpoint Informal settlement is not a euphemism for ‘slum’: What’s at stake beyond the language? *International Development Planning Review*, ১-১২. <https://doi.org/10.3828/idpr.2020.14>
২৩. Dupont V. D. (২০১১). The dream of Delhi as a global city. *International Journal of Urban and Regional Research*, ৩০(৩), ০৩৩-০০৬. Crossref. Web of Science.
২৪. Durand-Lasserve A. (২০০৬). Informal settlements and the millennium development goals: Global policy debates on property ownership and security of tenure. *Global Urban Development*, ২(১).
২৫. Farouk B., & Tweneboah Lawson E. (২০১৬). Does it matter where I live? Comparing the impact of housing quality on child development in slum and non-slum areas in Ghana. *International Journal of Child, Youth and Family Studies*, ০, ৩৭০-৩৭৩. Crossref.
২৬. Finlayson K. A. (১৭৭৮). Squatting and the role of informal housing in incremental growth and self improvement. NBRI.
২৭. Flood J. (২০০২). Secure tenure: Global definition and measurement [Paper presentation]. The ENHR Conference Housing cultures; convergence and diversity, Vienna.
২৮. Fortuny G., Geier R., & Marshall R. (২০১১). Poor settlements in Bangladesh: An assessment of ২৭ UPPR towns and cities. Local Government Engineering Department, Dhaka.
২৯. Ghertner D. A. (২০১১). Gentrifying the state, gentrifying participation: Elite governance programs in Delhi. *International Journal of Urban and Regional Research*, ৩০(৩), ০০৬-০৩২. Crossref. Web of Science.
৩০. Giambelli M., Vitti A., & Bezzi M. (২০১৬). Towards a decision support system for environmental emergencies management in poor settlements in the Kathmandu Valley (Nepal). *International Journal of Spatial Data Infrastructures Research*, ১১, ২৩.
৩১. Gilbert A. (২০০৭). The return of the slum: Does language matter? *International Journal of Urban and Regional Research*, ৩১(৬), ১৭৭-১৭৩. Crossref. Web of Science.
৩২. Grant R. (২০১৬). Sustainable African urban futures: Stocktaking and Critical reflection on proposed urban projects. *American Behavioral Scientist*, ০৭(৩), ২৭৬-৩১০. Crossref.
৩৩. Hossain M. A., & Nazem N. (২০১২). Mapping poor settlements in ২৭ cities and towns of Bangladesh: UPPR experience. In *CUS Bulletin on Urbanization and Development*. Available at: <https://cusdhaka.org/bulletin-articles/mapping-poor-settlements-in-27-cities-and-towns-of-bangladesh-uppr-experience>.
৩৪. Huchzermeyer M. (২০০৩). Housing rights in South Africa: Invasions, evictions, the media, and the courts in the cases of Grootboom, Alexandra, and Bredell. *Urban Forum*, ১৬(১), ৮০-১০৭. Crossref.
৩৫. Humphrey M., & Hossain S. (২০১৮). Expanding urban slums. *International Studies*. <https://doi.org/10.1093/acrefore/9780190846626.013.434>
৩৬. Islam F., Rahman A., Halim A., Eriksson C., Rahman F., & Dalal K. (২০১৬). A ‘Model quality improvement system’ for maternal and newborn health services applicable for district and

sub-district level hospitals in Bangladesh: Description of model development process. *Health System Policy Research*, 3, 1.

37. Jaitman L. (2010). Urban infrastructure in Latin America and the Caribbean: Public policy priorities. *Latin American Economic Review*, 24(1), 1-57. <https://doi.org/10.1007/S10503-010-0027-0/FIGURES/4>

38. Jones P. (2017). Formalising the informal: Understanding the Position of informal settlements and slums in sustainable urbanisation policies and strategies in Bandung, Indonesia. *Sustainability*, 9, 27. doi:10.3390/su9081433 Crossref.

39. Khalifa M. A. (2011). Redefining slums in Egypt: Unplanned versus unsafe areas. *Habitat International*, 30(1), 41-49. Crossref.

40. Khan S., & Swapan M. S. H. (2013). From blueprint master plans to democratic planning in South Asian cities: Pursuing good governance agenda against prevalent patron-client networks. *Habitat International*, 38, 183-191. Crossref.

41. Kohli D., Warwadekar P., Kerle N., Sliuzas R., & Stein A. (2013). Transferability of object-oriented image analysis methods for slum identification. *Remote Sensing*, 5(9). <https://doi.org/10.3390/rs5094209>

42. Kuyucu T., & Ünsal Ö. (2010). 'Urban transformation' as state-led property transfer: An analysis of two cases of urban renewal in Istanbul. *Urban Studies*, 47(7), 1479-1499. Crossref. Web of Science.

43. Luciano E., & Van Gelder J. (2010). Tenure security as a predictor of housing investment in low-income settlements: Testing a tripartite model. *Environment and Planning A: Economy and Space*, 42(2), 480-500. Crossref.

44. Martínez J., Mboup G., Sliuzas R., & Stein A. (2008). Trends in urban and slum indicators across developing world cities, 1990-2003. *Habitat International*, 32(1), 86-108. Crossref.

45. McFarlane C. (2009). Translocal assemblages: Space, power and social movements. *Geoforum*, 40(4), 661-677. <https://doi.org/10.1016/j.geoforum.2009.05.003>

46. McFarlane C. (2011). The city as assemblage: Dwelling and urban space. *Environment and Planning D: Society and Space*, 29(4), 649-671. Crossref. Web of Science.

47. Mehrotra S., Bardhan R., & Ramamritham K. (2018). Urban informal housing and surface urban heat island intensity: Exploring spatial association in the city of Mumbai. *Environment and Urbanization ASIA*, 9(2), 108-127. Crossref. Web of Science.

48. Mistro R., & Hensher D. (2009). Upgrading informal settlements in South Africa: Policy, rhetoric and what residents really value. *Housing Studies*, 24(3), 333-354. <https://doi.org/10.1080/02673230902879279>

49. Montana L., Lance P. M., Mankoff C., Speizer I. S., & Guilkey D. (2016). Using Satellite data to delineate slum and non-slum sample domains for an urban population survey in Uttar Pradesh, India. *Spatial Demography*, 4(1), 1-16. Crossref. PubMed.

50. Nakamura S. (2016a). Does slum formalisation without title provision stimulate housing improvement? A case of slum declaration in Pune, India. *Urban Studies*, 53(7), 1710-1730. Crossref.

51. Nakamura S. (2016b). Revealing invisible rules in slums: The nexus between perceived tenure security and housing investment. *Habitat International*, 53, 101-112. Crossref. Web of Science.

52. Nakamura S. (2017). Tenure security premium in informal housing markets: A spatial hedonic analysis. *World Development*, 89, 184-198. Crossref.

০৩. Nguyen T. A. (২০১৮). Tenure security and housing investment: A study of Bangladeshi poor settlements [Master's thesis]. Clemson University.
০৪. Nijman J. (২০০৮). Against the odds: Slum rehabilitation in neoliberal Mumbai. *Cities*, ২০(২), ৭৩-৮০. Crossref.
০৫. Panday P. K. (২০২০). Global best practices of urban slum development. In *The face of urbanization and urban poverty in Bangladesh*. Palgrave Macmillan.
০৬. Patel A., Koizumi N., & Crooks A. (২০১৬). Measuring slum severity in Mumbai and Kolkata: A household-based approach. *Habitat International*, ৬১, ২০০-২০৬. Crossref.
০৭. Patel S., Arputham J., Burra S., & Savchuk K. (২০০৯). Getting the information base for Dharavi's redevelopment. *Environment and Urbanisation*, ২১(১), ২৬১-২০১. Crossref. Web of Science.
০৮. Payne G., & Majale M. (২০০৬). *The urban housing manual: Making regulatory frameworks work for the poor*. EarthScan.
০৯. Prunty J. (১৯৯৮). *Dublin slums ১৮০০-১৯২০, a study in urban geography*. Irish Academic Press.
১০. Rana M. (২০১৬). *Water supply to the urban poor: Governance approaches and challenges of situated informalities* [Doctoral dissertation]. Western Sydney University.
১১. Rao V. R. (২০১১). Collaborative government to employee (G²E): Issues and challenges to e-government. *Journal of e-Governance*, ২(৬), ২১৬-২২৯. Crossref.
১২. Ro A. (২০০০). Urban informality: Toward an epistemology of planning. *Journal of the American Planning Association*, ৩৬(২), ১৬৭-১০৮. Crossref. Web of Science.
১৩. Roy A. (২০১১). Slumdog cities: Rethinking subaltern urbanism. *International Journal of Urban and Regional Research*, ৩০(২), ২২৩-২৩৮. Crossref. PubMed. Web of Science.
১৪. Rukmana D. (২০১৮). Upgrading housing settlement for the urban poor in Indonesia: An analysis of the Kampung Deret Program. In Grant B., Liu C. Y., & Ye L., (Eds), *Metropolitan governance in Asia and the Pacific Rim: Borders, challenges, futures* (pp. ৭০-৯৬). Springer. Crossref.
১৫. Swapan M. S. H. (২০১৬). Who participates and who doesn't? Adapting community participation model for developing countries. *Cities*, ০৩, ৭০-৭৭. Crossref.
১৬. Swyngedouw E. (২০০৬). *Social power and the urbanization of water*. Oxford University Press. Crossref.
১৭. Taubenböck H., & Kraff N. J. (২০১৬). The physical face of slums: A structural comparison of slums in Mumbai, India, based on remotely sensed data. *Journal of Housing and the Built Environment*, ২৯(১), ১০-২৮. <https://doi.org/10.1007/s10901-016-9333-x>
১৮. UN-HABITAT. (২০০৭). UN-HABITAT twenty first session of the governing council.
১৯. UN Habitat. (২০১০). Habitat III issue papers: Informal settlements. https://habitat.org/wp-content/uploads/Habitat-III-Issue-Paper-২২_Informal-Settlements-২০.pdf
২০. UN-HABITAT. (২০১৬). *World Cities Report ২০১৬: Urbanization and development: Emerging futures*. United Nations Human Settlements Programme.
২১. United Nations. (১৯৭৬). *Report of habitat: United Nations conference on human settlements*. ২১ May-১১ June. Vancouver.
২২. United Nations. (২০০২). *Report of the world summit on sustainable development* [Paper presentation]. The World Summit on Sustainable Development, Johannesburg, South Africa. https://www.unmillenniumproject.org/documents/১২১২০২_wssd_report_reissued.pdf
২৩. United Nations. (২০১৯). *Special edition: Progress towards the Sustainable Development Goals: Report of the secretary-general*. <https://undocs.org/E/২০১৯/৬৮>

٧٤. Van Eck N., & Waltman L. (٢٠٠٩). Software survey: VOSviewer, a computer program for bibliometric mapping. *Scientometrics*, ٨٤(٢), ٥٢٣-٥٣٨. Crossref. PubMed. Web of Science.
٧٥. Van Eck N. J., & Waltman L. (٢٠١١). Text mining and visualisation using VOSviewer. *ISSI Newsletter*, ٧(٣), ٥٠-٥٤.
٧٦. Varley A. (٢٠١٣). Postcolonialising Informality. *Environment and Planning D: Society and Space*, ٣١(١), ٤-٢٢. Crossref. Web of Science.
٧٧. Weeks J. R., Hill A., Stow D., Getis A., & Fugate D. (٢٠٠٧). Can we spot a neighborhood from the air? Defining neighborhood structure in Accra, Ghana. *GeoJournal*, ٦٩(١), ٩-٢٢. Crossref. PubMed.
٧٨. World Bank. (٢٠١٤). Population living in slums (درصد of urban population) | Data. <https://data.worldbank.org/indicator/EN.POP.SLUM.UR.ZS>